

در انتظار ساقی

مهدی خوانساری

موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد

رادمند، محمد مهدی ۱۳۴۳-
در انتظار ساقی / محمد مهدی رادمند، ویراستار مسعود حجازی.-
تهران: زهد،

۱۳۸۳.

ISBN 964-6997-64-3

۲۵۶ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶۱/۶۲

PIR۸.۵۸/۴۱۳د۴

د ۱۶۲ ر

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۸۱-۱۸۵۲۶ م

کتابخانه ملی ایران



در انتظار ساقی

مولف: مهندس محمد مهدی رادمند

ناشر: انتشارات زهد

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لینوگرافی: پام مهر / چاپ: کاوش / صحافی: البرز

شابک: ۹۶۴-۶۹۹۷-۶۴-۳

قیمت: ۲۱۰۰ تومان

«کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است»

نشانی ناشر: تهران / خیابان انقلاب اسلامی / خیابان قدس / نبش بزرگمهر

پلاک ۹ / واحد ۱۰ / تلفن: ۶۶۴۹۹۲۶۱-۳ / دورنگار: ۶۶۴۹۹۲۶۱

«فهرست مندرجات»

۱۷	آشنایی با شاعر.....
۱۹	مقدمه.....
۲۷	دفتر اول "مدح و ثنا".....
۲۹	نیایش (۲۸ بیت).....
۳۱	مشهود من (۱۱ بیت).....
۳۱	تبعید (۱۱ بیت).....
۳۲	رأدار دل (۱۰ بیت).....
۳۳	تمنا (۷ بیت).....
۳۴	برخیز یک شب تا (۱۴ بیت).....
۳۵	نماز پرچم نیاز (۱۰ بیت).....
۳۶	فبای الاء ربکما تکذبان (۸ بیت).....
۳۷	عید مبعث (۲۴ بیت).....
۴۰	علی یعنی... (۲۲ بیت).....
۴۲	خدای دلها (۱۴ بیت).....
۴۳	علی (ع) (۱۱ بیت).....
۴۴	اشک حسرت (۱۴ بیت).....
۴۵	مرگ مبارک (۱۰ بیت).....
۴۶	زهرا (س) (۲۴ بیت).....
۴۸	گل شقایق (۱۱ بیت).....
۴۹	قطره شبنم (۱۰ بیت).....
۵۰	توئی مخاطب سلام (۱۰ بیت).....
۵۱	آن قافله کو؟ (۱۷ بیت).....

۵۲	عاشورا (۱۳ بیت)
۵۴	صدای نعل اسب (۹ بیت)
۵۵	چو عاشورا شود (۱۸ بیت)
۵۶	گلستان پیامبر (۱۴ بیت)
۵۸	درد و دوا (۷ بیت)
۵۹	زینت بر ساجدین (۱۴ بیت)
۶۰	گل آخرالزمان (۱۶ بیت)
۶۱	ختم امامان (۱۴ بیت)
۶۳	نهاد غم (۱۳ بیت)
۶۴	راست قامت (۲۵ بیت)
۶۶	آن عرفا (۷ بیت)
۶۷	دفتر دوم "شور و نوا"
۶۹	آب آتشین (۹ بیت)
۷۰	دام‌های دلبران (۱۰ بیت)
۷۱	حال مستان (۸ بیت) سفر اول جمکران
۷۲	دو راز (۸ بیت)
۷۳	نغمه (۸ بیت) سفر دوم جمکران
۷۴	سایه سرور (۶ بیت) سفر سوم جمکران
۷۵	سبو (۷ بیت)
۷۶	مهد دل شیندا (۸ بیت) سفر چهارم جمکران
۷۷	فراموشی (۹ بیت)
۷۸	مرهم (۷ بیت)
۷۹	دیوانه (۸ بیت)
۸۰	عاشقی (۷ بیت)

۸۱	صدف (۷ بیت) سفر پنجم جمکران
۸۲	نوبت عاشقی (۷ بیت)
۸۳	اشک (۸ بیت) سفر ششم جمکران
۸۴	مجنون (۷ بیت)
۸۵	نوش دارو (۷ بیت)
۸۶	مهد خیال (۷ بیت)
۸۷	دل بیدل (۶ بیت)
۸۸	عاشق (۸ بیت) سفر هفتم جمکران
۸۹	شمع خیال (۷ بیت)
۹۰	لیلی ثانی (۹ بیت)
۹۱	مکتب رندان (۷ بیت)
۹۲	بازار بلا (۶ بیت)
۹۳	لوح دل (۷ بیت)
۹۴	صلیب (۹ بیت) سفر هشتم جمکران
۹۵	بتکده (۹ بیت) سفر نهم جمکران
۹۶	عید میلاد مسیح (۷ بیت)
۹۷	شرط وفاداری (۱۰ بیت)
۹۸	گل فروش (۸ بیت)
۹۹	همچو حافظ (۱۲ بیت)
۱۰۰	هدیه گرگان (۱۱ بیت)
۱۰۱	میقات عشق (۱۱ بیت) سفر دهم جمکران
۱۰۲	محبوب مستان (۸ بیت) سفر یازدهم جمکران
۱۰۳	دولت یار (۹ بیت) سفر دوازدهم جمکران
۱۰۴	قمار عشق (۸ بیت)

- توبه (۷ بیت) ۱۰۵
- شهره و مشهور (۹ بیت) سفر سیزدهم جمران ۱۰۶
- آهن ربا (۷ بیت) ۱۰۷
- شب (۹ بیت) سفر چهاردهم جمران ۱۰۸
- سخن سروش (۹ بیت) ۱۰۹
- هاتف من (۸ بیت) سفر پانزدهم جمران ۱۱۰
- انتظار (۸ بیت) سفر شانزدهم جمران ۱۱۱
- قفس (۹ بیت) سفر هفدهم جمران ۱۱۲
- خط سبز (۸ بیت) سفر هجدهم جمران ۱۱۳
- کلبه احزان (۷ بیت) سفر نوزدهم جمران ۱۱۴
- سوز هجران (۷ بیت) ۱۱۵
- کعبه دل (۱۲ بیت) سفر بیستم جمران ۱۱۶
- برکه (۸ بیت) سفر بیست و یکم جمران ۱۱۷
- گنجینه (۱۰ بیت) سفر بیست و دوم جمران ۱۱۸
- بخشش (۷ بیت) ۱۱۹
- مرغ عشق (۸ بیت) سفر بیست و سوم جمران ۱۲۰
- وادی عشق (۷ بیت) سفر بیست و چهارم جمران ۱۲۱
- چشم سخن گو (۱۹ بیت) ۱۲۲
- شیر عرفان (۷ بیت) ۱۲۴
- شرر (۱۲ بیت) سفر بیست و پنجم جمران ۱۲۵
- سودای عشق (۱۲ بیت) سفر بیست و ششم جمران ۱۲۶
- بیا... (۷ بیت) ۱۲۷
- پذیرای غم (۸ بیت) سفر بیست و هفتم جمران ۱۲۸
- هجرار نبذی (۱۵ بیت) سفر بیست و هشتم جمران ۱۲۹

- ۱۳۰..... ثناگوی تو (۸ بیت) سفر بیست و نهم جمکران
- ۱۳۱..... عصاره غم دل (۹ بیت)
- ۱۳۲..... خیمه دل (۶ بیت) سفر سیام جمکران
- ۱۳۳..... چه مبارک سحری (۸ بیت)
- ۱۳۴..... وقت سحر (۸ بیت)
- ۱۳۵..... حرمت (۸ بیت)
- ۱۳۶..... سرو خرامان (۷ بیت) سفر سی و یکم جمکران
- ۱۳۷..... بت دل (۵ بیت)
- ۱۳۸..... می وصال (۷ بیت) سفر سی و دوم جمکران
- ۱۳۹..... درد هجر (۷ بیت)
- ۱۴۰..... چون بلال (۸ بیت) سفر سی و سوم جمکران
- ۱۴۱..... دوست (۵ بیت)
- ۱۴۲..... شب (۸ بیت)
- ۱۴۳..... شرح فراق (۱۴ بیت)
- ۱۴۴..... نعره های تیشه (۹ بیت)
- ۱۴۵..... تبارک الله (۸ بیت)
- ۱۴۶..... سرنوشت (۱۱ بیت)
- ۱۴۷..... شراب شوکران (۱۰ بیت)
- ۱۴۸..... نفس اماره (۱۴ بیت)
- ۱۴۹..... عشق را سوگند (۸ بیت)
- ۱۵۰..... موی سپید (۸ بیت) سفر سی و چهارم جمکران
- ۱۵۱..... ناز مرا... (۸ بیت)
- ۱۵۲..... شکیا (۹ بیت)
- ۱۵۳..... ستور نگاه (۹ بیت)

- ۱۵۴..... عیسوی دم (۱۰ بیت)
- ۱۵۵..... مشو عاشق (۸ بیت)
- ۱۵۶..... شوریدگی (۹ بیت)
- ۱۵۷..... کاسه صبر (۱۰ بیت)
- ۱۵۸..... خاطرت (۱۱ بیت)
- ۱۵۹..... زهره (۸ بیت)
- ۱۶۰..... قبله نما (۹ بیت) سفر سی و پنجم جمکران.
- ۱۶۱..... ذره (۷ بیت)
- ۱۶۲..... شمع خیال (۷ بیت)
- ۱۶۳..... شمیم تو (۱۰ بیت) سفر سی و ششم جمکران.
- ۱۶۴..... سفره عشق (۱۰ بیت) سفر سی و هفتم جمکران.
- ۱۶۵..... جستجو (۹ بیت) سفر سی و هشتم جمکران.
- ۱۶۶..... مات و مبهوت (۸ بیت)
- ۱۶۷..... سری بر افلاک (۷ بیت)
- ۱۶۸..... سنجاق ابرو (۱۱ بیت)
- ۱۶۹..... جرم عاشقی (۸ بیت) سفر سی و نهم جمکران.
- ۱۷۰..... کو: بخ (۱۱ بیت)
- ۱۷۱..... میوه باغ دل (۸ بیت)
- ۱۷۲..... ای کاش (۸ بیت)
- ۱۷۳..... هوادار طناب (۱۱ بیت) سفر چهلم جمکران.
- ۱۷۴..... در انتظار ساقی.
- ۱۷۵..... دفتر سوم "خاطره‌ها".
- ۱۷۷..... تحفه تاریخ (۱۲ بیت).
- ۱۷۷..... گرمای مهر (۵ بیت)
- ۱۷۸..... قدرت بی همتا (۱۴ بیت)

۱۷۹	سراب (۷ بیت)
۱۸۰	زندگی (۱۷ بیت)
۱۸۱	مرگ و زندگی (۳۷ بیت) مثنوی
۱۸۳	زنجیر حلقه‌ها (۷ بیت)
۱۸۴	شطرنج (۷ بیت)
۱۸۵	قلعه عشق (۸ بیت)
۱۸۶	خلعت (۱۱ بیت)
۱۸۷	تیر نگاه (۶ بیت)
۱۸۸	عشق من (۸ بیت)
۱۸۹	جام صهبا (۵ بیت)
۱۸۹	تاریخ وصال (۲۷ بیت)
۱۹۲	شکر ساییده (۸ بیت)
۱۹۳	هوس (۷ بیت)
۱۹۴	گل یاسمن (۱۰ بیت)
۱۹۵	نشان یار (۸ بیت)
۱۹۵	همسر (۹ بیت)
۱۹۶	فادر (۹ بیت)
۱۹۷	کلید (۸ بیت)
۱۹۸	پدر (۸ بیت)
۱۹۹	مسافر (۱۱ بیت)
۲۰۰	خلیل آمد (۱۴ بیت)
۲۰۱	در بهار آزادی (۸ بیت)
۲۰۲	تخریبات (۱۵ بیت)
۲۰۳	ثلثه (۸ بیت)

۲۰۴	علوی (۸ بیت)
۲۰۵	کتاب (۱۵ بیت)
۲۰۶	باغبان پرور (۱۳ بیت)
۲۰۸	سخن (۷ بیت)
۲۰۹	لب بستن فرو (۱۱ بیت)
۲۱۰	شیپور جنگ (۹ بیت)
۲۱۱	فریاد آخر (۹ بیت)
۲۱۲	خورشید (۸ بیت)
۲۱۳	سفر به فاو (۱۶ بیت)
۲۱۴	سفینه النجاة (۱۵ بیت)
۲۱۵	سردار چو راهی شد (۱۲ بیت)
۲۱۶	هشدار (۱۲ بیت)
۲۱۸	یتیم (۱۵ بیت)
۲۲۰	رخ جانان (۶ بیت)
۲۲۰	مرد زاهد (۸ بیت)
۲۲۱	ترجمان زندگی (۱۱ بیت)
۲۲۲	سقا (۱۰ بیت)
۲۲۳	بهترین مأوای من (۸ بیت)
۲۲۴	عبد آزاد (۸ بیت)
۲۲۵	اهل دل (۷ بیت)
۲۲۶	کجا رفت (۱۱ بیت)
۲۲۷	جبهه صنعت (۷ بیت)
۲۲۸	استاد ایمان (۷ بیت)
۲۲۹	درد آشنا (۷ بیت)

۲۳۰		مجلس انس (۱۴ بیت)
۲۳۱		مرد خدا (۷ بیت)
۲۳۲		عید فطر (۷ بیت)
۲۳۲		گوشی تلفن (۸ بیت)
۲۳۳		خفاش کور بددلی (۷ بیت)
۲۳۴		مادر شعر (۹ بیت)
۲۳۴		ترازویان (۷ بیت)
۲۳۵		بانک (۸ بیت)
۲۳۶		کارون (۲۱ بیت)
۲۳۸		بی عمل (۸ بیت)
۲۳۹		گنبد نیلی (۸ بیت)
۲۳۹		جنگ وفا (۸ بیت)
۲۴۰		فهیمة تولدت مبارک (۹ بیت)
۲۴۱		مرغ (۵ بیت)
۲۴۱		می وصال (۵ بیت)
۲۴۲		مراد من (۵ بیت)
۲۴۲		سوله (۹ بیت)
۲۴۴		فرش ایران (۹ بیت)
۲۴۵		استخاره (۷ بیت)
۲۴۶		نامه (۹ بیت)
۲۴۷		تیغ (۹ بیت)
۲۴۸		مهدیه (۶ بیت)
۲۴۸		سروش (۷ بیت)
۲۴۹		آئینه (۷ بیت)

۲۴۹	پند بابا (۷ بیت)
۲۵۰	خسوف (۸ بیت)
۲۵۱	چهارشنبه سوری (۹ بیت)
۲۵۲	آتش (۷ بیت)
۲۵۲	شناسنامه (۹ بیت)
۲۵۳	فراموش (۷ بیت)
۲۵۴	محسن (۹ بیت)
۲۵۵	دما تجهیز (۸ بیت)
۲۵۶	کارت پایان خدمت (۱۳ بیت)

آشنایی با شاعر:

شاعر این مجموعه هفتم اسفند ماه سال ۱۳۴۲ در شهرستان کوهستانی و سرسبز خوانسار در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش به امور فنی اشتغال داشت و مادرش به هنر بافت فرشهای دسنتی آشنا بود. او را محمدمهدی نام گذاشتند نامی مرکب از نام اولین و آخرین معصوم خاندان اهل بیت (ع).

وی دیپلم ریاضی و فیزیک خود را در سال ۶۲ در همان شهرستان اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه صنعتی اصفهان گردیده و در سال ۶۷ به عنوان مهندس مکانیک فارغ التحصیل گردید. دوران خدمت سربازی را در دانشگاه امام حسین (ع) مشغول فعالیت بوده و سپس در سمت‌های مختلف اجرایی به فعالیت پرداخته است.

مهندس رادمند در سال ۷۵ موفق به اخذ دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت صنایع گردید و به اقتضای شرایط در مطبوعات کشور به نگارش مقالات علمی و تحقیقی می‌پرداخت.

اخیراً کتاب «چگونه در رقابت انتخاباتی پیروز شویم» و نیز کتاب «زهرای سبز» را به رشته تحریر در آورده است.

مجموعه اشعار وی به تناسب موضوع در سه بخش تنظیم گردیده است.

۱- بخش مدح و ثنا که شامل مدایح و سروده‌های ایشان در ستایش حضرت حق و ائمه معصومین می‌باشد. این بخش در ۳۰ قطعه که ۴۱۶ بیت را تشکیل داده است تنظیم گردیده است.

۲- بخش شور و نوا که شامل غزلها و سروده‌های ایشان بوده و بویژه در چهل غزل آنچه در مسجد مقدس جمکران به شاعر نصیب شده است را سروده و تنظیم نموده است. در این بخش تعداد ۱۰۵ غزل که مجموعاً ۸۹۹ بیت می‌باشند گردآوری شده است.

۳- بخش خاطره‌ها که مجموعه‌ای است از خاطرات منظوم که در ذیل هر غزل و سروده‌ای توضیحی مختصر در آن خصوص ارائه گردیده است. که شامل ۸۴ قطعه و ۸۱۰ بیت می‌باشد.

به طور کلی جلد اول اشعار از ۲۱۸ قطعه شامل غزل و مثنوی تشکیل شده است که در قالب ۲۱۲۵ بیت سروده شده‌اند.

جلد دوم مجموعه اشعار شاعر تحت عنوان «ساقی در انتظار است» آماده چاپ می‌باشد.

شاعر در جلد اول تمام شوق و اشتیاق خود را برای ملاقات حضرت مهدی موعود (عج) به قلم کشیده است و در جلد دوم این مجموعه با یک سوال اساسی جامعه را روبرو می‌کند.

آیا ما برای ظهور حضرت حجت آمادگی داریم!!

او در مجموعه ساقی در انتظار است به نوعی سعی دارد انتظار حضرت حجت برای فراهم شدن مقدمات ظهور را که در روایات نیز به کرات مورد اشاره واقع شده است به رشته نظم کشیده و تلاشی برای احیای این تفکر که آیا آمادگی وجود دارد را به عمل می‌آورد.

بزرگان ادب "شعر" را کلام موزون می‌دانند و من شعر را "دل خشکیده در گل کلام" می‌دانم. وقتی دلی به یاد دلداری به طپش می‌افتد و فوران احساس در کویر زمان به بلندای ابدیت به پا می‌خیزد در برخورد با هوای سرد و مسموم گوشه‌های ناشنوا چون برگهای خشکیده در قالب خشک کلام منجمد می‌شود و در ظرف محدود و کم ظرفیت «کلمه» شکل می‌گیرد و پس از فرونشستن گرد و غبار احساس‌ها در کلمات تبلور می‌شود و شعر پدید می‌آید.

شعر مرحله نازله و کم جلوه احساس است که در قالب کلام می‌نشیند و ای کاش می‌شد راه دیگری برای نمایش احساس جستجو کرد. هر چند نقاش در تابلوی نقاشی و معمار در بنای احداثی و نجار در منبت و حکاکی و خیاط در منجوق و گلدوزی و... هر کدام شاعری هستند که شعور تبلور یافته خود را در ظرف بی‌جان اثری که خلق می‌کنند می‌خواهند به نمایش گذارند و چون این کار به کمال میسر نیست (به خاطر محدودیت ظرفیت ابزارها) لذا در طول تاریخ هنر همیشه زنده و پویا باقی مانده است و به حرکت خود ادامه می‌دهد. وقتی هنر هفتم (سینما) نیز هنوز با تمام توانمندی‌هایش از انبوه محدودیتها در رنج و عذاب است هنرمند به گونه‌ای در پی نمایش شعور خداداد خود است و هرگز این ظرفیت جز در جان انسان میسر نیست همانگونه که خداوند فرمود:

«کوهها از پذیرفتن آن ابا داشتند» و لذا قرآن مجید را «نازل شده» می‌نامد یعنی بسیار پایین‌تر از آنچه «آدمی» جویای آن بوده است به ناچار در قالب «کلام» فرود آمده است.

قرآن نازل شده و فرود آمده: «کلام» خداست و «شعر» نازل شده و فرود آمده احساس «شاعر» است.

چون کلام خدا قالب کلمات را در آستانه انفجار قرار می‌داد جاهلان قرآن را شعر می‌خواندند و پیامبر خدا (ص) را «شاعر». اگر الهام را یکی از سرچشمه‌های سرایش شاعر بدانیم بر اساس آیه کریمه «فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَى‌هَا» آنگاه شعر از قداستی خاص برخوردار می‌شود تا آنجایی که بشر بین کلام خدا (آیات قرآن) و کلام انسان (شعر شاعر) دچار ابهام و سردرگمی می‌شود و فقط خداست که می‌تواند این مرز را شکسته و هشدار بدهد «و ما هو به شاعر...» این پیامبر شاعر نیست و کلام خدا نیز شعر نیست. این اشکال در ظرفیت محدود کلمات است و بشر را چاره‌ای نیست چرا که حق فرمود

«و ما اوتیتم من العلم الا قليلا»

این قلت عطای خداوندی نه از محدودیت عنایت حضرت حق که از محدودیت ظرفیت کلمات است که به وسیله آنها علم نشر یافته و انتشار خواهد یافت. بهر حال هر انسانی و در هر زمان و مکانی که بتواند احساسش را در قالب کلمات به بند در آورد او یک شاعر است. و به همین دلیل بسیاری از بزرگان شعر در «نثر» به جای «نظم» به هنر نمایی پرداخته‌اند.

«... و اما چرا شعر»

شاید این سؤال بصورت اساسی^۱ مطرح باشد که چرا شرق و بویژه مسلمین اقبال گسترده‌ای از شعر و شاعری دارند در حالی که غرب بیشتر علاقه‌مند به ساختن و ارتقاء سطح تکنولوژی بوده و به عمران و آبادانی تکیه دارد و تمدن جدید را شکل می‌دهد؟!....

نگاهی به اعجاز پیامبران گذشته می‌تواند پاسخ این سؤال را به درستی بیان نماید. همان گونه که در مقدمه گفته شد اوج بیان احساس را می‌توان در قالب‌های

خاصی از هنر متبلور ساخت. پیامبران گذشته هر کدام خداجوئی را در قالبی برای بشر به نمایش گذاشته‌اند.

نوح(ع) به هنر نجاری و با اعجاز چوب را آینه دل ساختن شروع کرد و داوود(ع) با هنر آواز و موسیقی کلام به دعوت دیگران برای پیوستن به جانان وارد میدان می‌شود.

موسی(ع) با الواحی که می‌تواند گویای گونه‌ای از هنر جذب دیگران در قالب سفال و سفالگری باشد به میدان می‌آید. عیسی(ع) در قالب هنر طبابت به هدایت خلق مبعوث می‌گردد و لذا می‌بینیم که تمدن غرب بر پایه این اصول شکل گرفته و ارتقاء یافته است. اما پیامبر اسلام حضرت نبی اکرم(ص) اعجازش در قالب کلمات بود. او کلامش را در عین سرشار بودن از مفاهیم ماورای دانسته‌های بشری و در حالی که چون چراغ روشنگری برای هدایت و راهنمایی بشر لبریز از حکمت و کرامت بود از لحاظ ساختار کلمات موزون - مخیل و مقفی در قالب آیات قرآن مجید آورد. او بود که به اهمیت کلام تکیه داشت و به حروف که زیر ساخته‌های کلام هستند سوگند یاد کرد.....

ن والقلم ما یسترون....

آری این مکتب از جمله معجزاتش تکیه به حروف و کلام بود و لذا مسلمانان هر یک به شیوه‌ای در صدد کشف اعجاز کلام و کلمات بودند و لذا به وضوح در شرق و بویژه در اسلام «اذکار» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شوند.

در این آیین «کلمه الله هی العلیا» مطرح می‌گردد و شاید به همین سبب باشد که اسم اعظم خدا، بعنوان یک مجهول معقول مطرح می‌گردد. به راستی کدام کلام است که می‌تواند ظرف معرفی «خدا» قرار گیرد. موجودی که تمام اسماء نیکو از آن اوست «ولله الاسماء الحسینی» پس می‌بینیم که ما مسلمین دلیل گرایش و اقبالمان از شعر این است که به اهمیت کلمه و کلمات واقف و آگاهیم و لذا به آرایش کلام می‌پردازیم و بدیهی است که :

«شعر کلام آرایش شده است»

نظر به قداست کلمه در اسلام در طول تاریخ مسلمین به ترکیب کلمات و چیدن آنها بگونه‌ای که بیشترین ظرفیت انتقال پیام را در خود جای دهد اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند و جالب اینکه از مولی علی (ع) تا علمای بسیار بزرگی چون شیخ اجل سعدی شیرازی و حکیم ابوالقاسم فردوسی و حافظ بزرگ و مولوی که همه از پیشوایان و امامان دین و مراجع دینی مردم بوده‌اند وقتی به قفس تنگ کلمات برخورد می‌کنند به شعر روی می‌آورند و همواره فلاسفه و بزرگان و مراجع تقلید و فقهای بنام پس از سالها مجاهده و مباحثه هر یک به این معجزه الهی (کلمه) متوسل شده و آنچه را از هستی یافته‌اند در این قالب از هنر به دیگران منتقل نموده‌اند و همچنان این قافله با همین ترتیب به حرکت خود ادامه می‌دهد.

«...و باز هم چرا شعر؟!»

پرسشی که ممکن است مطرح گردد اینکه آیا اینک نیز شعر در عصر ما از برجستگی خاصی برخوردار است؟! در پاسخ می‌توان گفت شعر با تمام ویژگی‌هایی که برایش شمرده شد بهترین - جامع‌ترین و جالبترین ظرفی است که می‌تواند احساس آدمی را جلوه دهد.

کنکاشی در هنرهای هفتگانه به ما می‌آموزد که هر یک از هنرهای غیر کلامی به ابزارها و مکانها و شرایط خاص وابسته است. برای ساختن فیلم یا پخش کاست یا ترسیم تابلو نقاشی یا ساختن هر یک از هنرهای تجسمی اعم از منبت - معرق - منجوق - خاتم - سفال و... که در ایران بیش از ۱۴۰ زیر مجموعه هنری (در قالب صنایع دستی) شناخته شده‌اند هر کدام به ابزارهای خاص وابسته‌اند اما شعر هیچ ابزاری نمی‌خواهد. این هنر آنقدر روان و ملایم است که چون نسیمی اغلب در خاطر شاعر نقش می‌بندد و حتی محتاج نوشتن هم نمی‌شود.

از سوی دیگر بهره برداری از احساس‌های متبلور در قالب هر یک از هنرها محتاج ابزارهای خاص است. برای دیدن فیلم به دستگاه آپارات نیاز است و برای

لذت بردن از یک تابلوی نقاشی محتاج مکانی خاص برای رؤیت آن اثر هنری هستیم. هنر شعر در یک صفحه کاغذ که در جیب هم جای می‌گیرد می‌تواند دست به دست به دیگران رسانیده شود بدون اینکه محتاج ابزار خاصی باشد. و سالها اشعار و ترانه‌ها سینه به سینه به نسلهای بعد منتقل شده‌اند.

از دیگر سوی ماندگاری شعر نیز قابل تأمل است. هر احساس تبلور یافته در قالب هر یک از هنرهای شناخته شده باید در شرایط خاص نگهداری شده و از خطر رطوبت هوا - گرمای خورشید - گذر زمان و... و حتی سرقت سارقان در امان باشد اما شعر در هیچ شرایطی نه قابل سرقت است و نه در معرض آسیب آب و باد و باران. و به همین سبب است که فردوسی حکیم بلند آوازه ایرانی اینگونه می‌سراید:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی
بناهای آباد گردد خراب ز باران و از تابش آفتاب
پی افکنم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند

این ویژگی‌ها سبب شده است که شعر بعنوان هنری فراگیر در سطح جوامع مورد توجه قرار گیرد. اینک نیز با توجه به محدودیتهای زمانی و اشتغال فراوان اذهان به مادیات از جلوه بیشتری برخوردار شده است.

چگونه شعر بگوییم؟!

سروودن یک شعر مانند ساختن یک حجم هنری یا ترسیم یک تابلو نقاشی و یا ساده‌تر مثل نوشتن یک مقاله است. ابتدا باید مفهوم کلی موضوع سرایش تعیین گردد. آیا شعر عاشقانه است یا ناصحانه؟ مخاطب عام است یا خاص؟ مقطع سنی مناسب شعر کدام است؟ و کاربرد شعر سروده شده چیست؟

این پرسشهای اساسی مثل انتخاب کادر و قاب و ابعاد تابلو نقاشی می‌باشد. پس از آن باید نوع شعر مناسب موضوع گزینش شود. مثنوی یا غزل - قطعه یا رباعی و...

هر موضوع سرایش مناسب قالبی خاص از شعر است. مثلاً شعر حماسی را در قالب غزل سرودن یا شعر عاشقانه را در قطعه جای دادن نمی‌تواند تناسب و مطلوبیت کافی داشته باشد. این امر هر چند تابع سلیقه شاعر و ذائقه مخاطب است لیکن در طول سالهای متمادی در فرهنگ‌های مختلف بصورت نوعی ساختار خاص پدیدار و ماندگار شده است.

گام سوم انتخاب وزن شعر است. این امر نیز به شدت تابع موضوع و مفهوم کلی شعر است. برخی مفاهیم در اوزان سبک‌تر (بخصوص برای مقاطع سنی کودک و نوجوان) و برخی موضوعات در بحرهای سنگین و اوزان وزین‌تر (بخصوص مفاهیم عرفانی و عاشقانه) قابل تعریف هستند. این امر همچون انتخاب نوع نقاشی (مثل روی بوم - رنگ و روغن و...) قابل تصور است. هر چند هر نقاشی ممکن است از سبک خاصی پیروی کند و گاه در رشته‌های تخصصی گوناگون فعالیت کند اما نهایتاً موضوعات خاص در سبکهای خاص قابل تصویر هستند.

چهارمین موضوع مهم در سرایش شعر انتخاب قافیه است. گاه بهره برداری از ردیف خاص بعنوان تأکید در ابلاغ پیام ابزاری مفید، شایسته و کارآمد است. در مقام مقایسه این مورد مثل انتخاب حاشیه و کادر در یک تابلو نقاشی است. گاه قاب و حاشیه که بوسیله تذهیب فراهم می‌آید در جلوه دادن اثر نقاش نقش ویژه‌ای را پدید می‌آورد.

اینک باید مہیای سرایش موضوع شد. یعنی کادر اصلی طراحی و مورد انتخاب شاعر قرار گرفته و در این مرحله لطافت طبع شاعر و روانی کلام او همراه با ذوق تخیل و تمثیل و هنر انتخاب واژه‌ها برای پرکردن آنها از باده مفاهیم وارد عمل می‌شود.

هر شعری چون مقاله‌ای لازم است از مقدمه - شرح - استنادات و نهایتاً نتیجه‌گیری برخوردار باشد. سرودن بهترین ابیات اگر در قالب یک مجموعه اشعار هدفمند و با طراحی صحیح نباشد ثمر بخش نخواهد بود هر چند مهارت -

دانش و توانایی برخی از شعرا امکان خلاصه کردن تمام این مراحل در یک بیت را فراهم آورده است و گاه در تنها یک دو بیتی کل این مراحل تدوین می گردند.

«چرا در انتظار ساقی؟»

علت انتخاب این نام در مقدمه متن مشخص گردید. گفتیم واژه‌ها ظرفهای کوچکی هستند که قادر به پذیرش محتوای کلام به صورت کامل و تمام نیستند و این محدودیت سبب شده است هر واژه‌ای در گویش هر شاعری تداعی‌گر گونه‌ای خاص از مفاهیم باشد.

وقتی حافظ «زلف یار» می‌گوید مفاهیمی بر این عبارت قابل تحمیل هستند که در کلام «سعدی» آن مفاهیم از وزن و گسترده‌ی دیگری برخوردار می‌شوند. این ظرفیت محدود کلمات به آنجا می‌رسد که امام (ره) بعد از عمری عبادت در مسجد و تعلیم و تعلم در مدرسه می‌فرمایند:

که من از مسجد و از مدرسه بی زار شدم

این کدامین مسجد و کدامین مدرسه است که آن فقیه جامع الشرایط و از سویی معمار و طراح پیاده کردن حکومت اسلامی را از خود بیزار می‌کند؟!

آری اگر این مفاهیم به درستی به شنونده و خوانندگان محترم انتقال یافته باشد دیگر حاجتی به شرح و بیان بیشتر باقی نمی‌ماند. چون کلمات همانند ظرفی هستند که گاه تهی می‌گردند و گاه از مواد زیان بار یا بی خاصیت (مثل عشق در اشعار کوچه و خیابان) و گاه لبریز (مثل عشق در اشعار حافظ) میشوند. پس باید هر لحظه در انتظار لطف و عنایت ساقی بوده تا ظرف کلمات را برای شاعری که می‌خواهد شعور ادراکی و گاه افلاکی خود را به دیگران انتقال دهد از شراب مفاهیم لبریز سازد این ساقی نمی‌تواند جز حضرت حق جل و علی کسی باشد و این انتظار جز تذهیب نفس و پیرایش وجود و آرایش سجایای کمال گرایانه نمی‌تواند باشد.

انتظار در اینجا به معنی دست بر روی دست گذاشتن و بیکار نشستن نباید و

نمی تواند باشد.

«منتظر» باید خویش را برای لقای «منتظر» مهیا سازد. آیا هرگز عاشقانه در انتظار ملاقات معشوقی بوده اید؟!

آیا آن دلهره ها - اضطراب ها - دوندگی ها - جفت و جور کردن کارها - مرتب کردن خانه و کاشانه ها - مراجعه مرتب به آینه و بازیابی جمال خویش و تصویر این جمال در کفار کمال یار را بیاد دارید؟!

آیا فراموش نکرده اید که از هر که در کنار تان حضور دارد نظر سنجی می کنید که آیا این کار خوب است؟ این لباس مناسب است؟ این نوع آرایش شایسته است؟ این گفته برای گفتن مناسب است؟ این لحن گویش خوب است؟ این تثن کلام و این طنین کلمات در شأن «او» می باشد؟! اصولاً «او» از این موضوعات یا این رایحه ها یا این رنگها شاد می شود؟!

آری منتظر نه تنها «بی کار» نمی بیند که «بی تاب» در تکاپوی لحظه دیدار است و ترکیب «در انتظار ساقی» می خواهد این بی تابی را به نمایش بگذارد. می خواهد به منتظرین بگوید که باید خود را مهبای دیدار «منتظر» کنند. و این انتظار باید تا پایان عمر انسان را همراهی کند. تا زمانی که از سوی معشوق ندا آید که:

یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیاً مرضیة

ای عاشقی که اینک اطمینان یافته ای - اطمینان از اینکه همه چیز تو و همه امکانات تو و همه ظرفیت های تو در خور و در شأن لحظه دیدار و موسم لقاء شده است اینک بیا... به سوی دلدار بیا... و آسوده خاطر باش که مورد رضایت دلدار قرار گرفته ای... و ای کاش منهم از این گروه مخاطبان باشم....

انشاءالله

محمد مهدی رادمند

تهران - تابستان ۸۴